

به نام خداوند جان و خرد

پرور ، دیار فراموش شده

نگاهی به تاریخ و فرهنگ

مردم پرور

محمدرضا گودرزی پروری

با همکاری علیرضا گودرزی پروری

- سرشناسه : گودرزی پروری، محمدرضا، ۱۳۵۱-
 عنوان و نام پدیدآور : پرور دیار فراموش شده / محمدرضا گودرزی پروری، با همکاری علیرضا گودرزی پروری.
 وضعیت ویراست : اول
 مشخصات نشر : سمنان، انتشارات حبله رود، ۱۳۹۲.
 مشخصات ظاهری : ۳۹۷ ص. مصور (بخشی رنگی)، جدول.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۶۴-۵۸-۱ : ۱۵۰۰۰ ریال
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : کتابنامه: ص. ۲۵۷-۲۵۵.
 موضوع : روستاها - ایران - سمنان (استان)
 موضوع : پرور
 شناسه افزوده : گودرزی پروری، علیرضا، ۱۳۵۵-
 رده بندی کنگره : DSR ۲۰۷۷ : ۸۷۱۳۹۲ گ ر
 رده بندی دیویی : ۸۳۲۲/۹۵۵
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۱۰۴۹۹

شناسنامه کتاب

نام اثر: پرور دیار فراموش شده

نویسنده: محمدرضا گودرزی پروری

طرح روی جلد: حسن درویش

طراحی صفحات داخلی: حسن درویش

انتشارات: حبله رود

چاپ: زلال کوثر قم

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۵۰۰۰ ریال

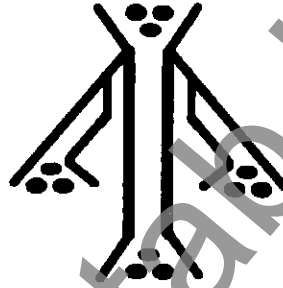
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۶۴-۵۸-۱

پایگاه انتشارات: www.hablerood.ir تلفن ۰۹۱۲۷۳۲۱۶۲۷

ایمیل نویسنده: mr.gudarzi@gmail.com



انتشارات حبله رود



چنین است رسم نیاکان من
کزیده دلیران و پاکان من

www.ketabo.ir

پرور، دیار فراموش شده
نگاهی به تاریخ و فرهنگ
مردم پرور

محمدرضا گودرزی پروری
یا همکاری علیرضا گودرزی پروری
طراح صفحات داخلی « حسن درویش



انتشارات حبله رود

۹	پیش‌گفتار
۱۱	مقدمه
	فصل اول
	تاریخ
۱۵	درآمد
۱۷	یادگار باستان
۱۷	محوطه‌های باستانی خرنند و کندلی
۲۲	قلعه‌ها، تپه‌ها، مناطق و راه‌های باستانی و تاریخی در منطقه‌ی پرور
۲۹	تنگه‌ی پرور: دروازه‌ی تبرستان
۳۱	پرور در گذر تاریخ
۳۱	مقبره‌ی سید تاج‌الدین
۳۳	عصر صفویه
۳۳	دوره‌ی قاجار
۳۶	هجوم ترکمانان
۳۷	حمله‌ی امیراعظم به پرور
۴۳	مشدی

فصل دوم

میراث فرهنگی (ملموس و ناملموس)

۵۰	آیین‌ها و میراث باستانی
----	-------------------------

راهنمای آوانگاری

آ	a	بره (bare)	د	d	دره (dare)
ا	e	دتر (deter)	ذ، ز، ظ، ض	z	زله (zele)
.....	ē	سر (sēr)	رَف	r	ره (raf)
(یا مجهول؛ صدایی بین i و e)			س، ص، ث	s	سور (sur)
آ	ā	سا (sā)	ش	š	شو (šo)
ای، ئی	i	تِل (til)	ف	f	فرخ (farx)
او، ئو	u	کول (kul)	ق، غ	q	غول (qul)
ب	b	بور (bur)	ک	k	کل (kol)
پ	p	پِل (pal)	گ	g	گال (gāl)
ت، ط	t	توم (tom)	ل	L	لیم (lim)
ج	j	جخت (jaxt)	م	m	دم (dem)
چ	č	چِر (čer)	ن	n	بن (ben)
ح، ه	h	هلی (hali)	و	v	وند (vand)
خ	x	خاش (xāš)	ژ	ž	غیژ (qiž)

پیش‌گفتار

در یکی از ییلاقات پرور به نام گونو چشمه‌ای بزرگ با آب فراوان وجود دارد که قبل از تخریب توسط جنگال خشن بیل مکانیکی، چشم‌اندازی زیبا، مناظری رازآلود با نی‌زارهای بلند داشت و سنجافک و پرندگان رنگارنگ پیرامون آن چون دخترکان عروسی در جنب و جوش بودند. محلی‌ها اعتقاد داشتند که این چشمه به دریا راه دارد و انتها ندارد و به همین خاطر آن را «دریا» نام نهادند. طبق یک روایت افسانه‌ای؛ روزی اسبی با سوارش در این چشمه غرق و ناپدید می‌گردد. پس از چندی، زین و افسار اسب را در رودخانه‌ای خروشان، در رودبارک پیدا کردند. این قیل افسانه‌ها و باورها در جاهای دیگر ایران نیز وجود دارند. مثلاً در رفسنجان چاهی بنام «چاه دریا» وجود دارد.

به نظر می‌رسد این باورها ریشه در اعتقادات دیرینه‌ای در عصر آناهیتا پرستی داشته باشد که تمام آب‌های جهان را متصل به دریای اساطیری «فرانگرت» می‌پنداشتند و آناهیتا خدای آب و آبادانی را مالک این دریا می‌دانستند.

اشارات و مطالب فولکلوریک ذکر شده در این کتاب ظاهری شبیه به این چشمه‌ی ویران دارد، اما ریشه و پیوند آن به اعماق تاریخ می‌رسد و ما می‌توانیم آثار و نشانه‌های آن‌ها را مانند افسار و زین اسب گم‌شده در گوشه و کنار ببینیم. بسان قطعه‌ای سفالین در گپ پراکنده بنایای قلعه‌ای سوق‌الجیشی را در دروازه تبرستان نشان می‌دهد یا بسان دیوار شکسته‌ای در پرور که رونق و آبادانی چندین قرن پیش را به ما یادآور می‌شود و پیکرکی در خرنده^۱ که ما را به سپیده‌دم تاریخ می‌برد یا افسانه‌ای که رازهای هزاره‌ها و قرن‌ها را نهفته دارد و ترانه‌ای که سرود دل مردمان در ناخودآگاه زمان بوده است و ...

ردپاها و نشانه‌ها کهن نیاکانمان را خاک و واش^۲ فراموشی در کوره‌راه زمان پویشده است. این نوشته کوشش دارد بخشی از این میراث دیرین فراموش شده را در این نقطه از سرزمین ایران، غبار زدایی کند. قبل از آغاز این مکتوب لازم است، چند نکته را خدمت خوانندگان این اثر عرض نمایم.

^۱ kappez. یکی از ییلاقات پروری‌ها نزدیک تنگه پرور.

^۲ xarend یکی از ییلاقات پرور.

^۳ واش در زبان پهلوی و گویش تبری به معنای علف می‌باشد.

۱- فولکلور و آداب و رسوم مطرح شده در این کتاب بر اساس گفتارهای شفاهی کهنسالان به ویژه پدر بزرگوارم اسماعیل گودرزی و با شکیبایی و مساعدت فکری مادر و همسرم گردآوری و تدوین شده است. از این رو قدردان زحمات ایشان هستم.

۲- نظر به اهمیت حفظ محیط زیست، فصلی تحت عنوان منطقه‌ی حفاظت شده پرور به آخر کتاب افزودم و آن را به علاقمندان و فعالان «محیط زیست ایران» تقدیم می‌کنم.

۳- حجم بزرگی از فرهنگ و ادبیات شفاهی در این دیار نابود شده است و بقیه آن نیز در حال نابودی است و نیاکان با مرگ خود آن را به گور می‌برند. پس لازم است همه افراد این سامان - به ویژه قشر دانش آموخته و جوان - بکوشند تا این گنجینه‌ی سترگ به فراموشی سپرده نشود و در مکتوب کردن آن اهتمام ورزند.

آن چه امروز در پیش روی شماست شروع یک راه تازه است نه پایان آن، لذا دست یاری خود را به سوی کسانی دراز می‌کنم که درباره‌ی سامان ما و فرهنگ و تاریخ کهن آن صاحب نظر هستند یا ناگفته‌هایی در سینه دارند تا در پر بار کردن مکتوبات آینده مؤثر افتد.

در پایان یادآور می‌شوم نامه پیش رو عاری از کژی و کاستی نیست، لذا چشم دارم به نیک اندیشی به این گفتار استاد سخن بنگرید:

قبا گر حریر است و گر پرنیان
به ناچار حشوش بود در میان
تو گر پرنیانی نیابی مجوش
کرم کار فرمای و عیش بیوش
شنیدم که در روز امید و بیم
بدان را به نیکان ببخشد حکیم
تو نیز از بدی دیدی اندر سخن
به خلق جهان آفرین کار کن.

پرور از کلمه پهلوی پرور (parvār) و به چهار معنی می‌باشد:

خانه یا کوشکی که اطراف آن باز باشد؛ خانه تابستانی یا خانه بادگیر که اطراف آن پنجره داشته باشد و خانه‌ای که بر بالای خانه‌ای دیگر ساخته شده باشد. تیری که برای پوشش بام به کار می‌رود. قلعه، حومه.

مردم منطقه پرور را پلور^۱ (pelver) تلفظ می‌کنند که در زبان مازندرانی به معنی تیری است که برای پوشش بام به کار می‌رود.

نیز گفته شده است، پلور همان پهلور یا پهلور به معنی سرزمین پارتیان یا قلعه پارتیان می‌باشد.

پرور در فاصله ۷۰ کیلومتری شمال شرقی سستان و در ۴۵ کیلومتری شمال شرقی شه میرزاد و در کوهپایه‌های البرز مرکزی در طول ۵۳ درجه و ۲۹ دقیقه و عرض ۳۶ درجه جغرافیایی قرار گرفته است و ارتفاع آن از سطح دریا ۲۰۶۰ متر می‌باشد.

این روستا در دره‌ای واقع شده است که کوه‌های مرتفع آن را احاطه کرده‌اند. بلندترین کوه‌های پرور، کالورد و ایوار نام دارند که هر دو در جنوب آن واقع شده‌اند. رودخانه پرور که از کوه ایوار سرچشمه گرفته است از مغرب آبادی می‌گذرد و به رودخانه تجن می‌ریزد.

پرور از نظر تقسیمات کشوری تا سال ۱۳۵۹ تابع دهستان پشتکوه بخش دودانگه شهرستان ساری محسوب می‌شد. پس از آن همراه با سایر روستاهای دهستان پشتکوه به بخش مهدیشهر و شه میرزاد ملحق شد.

پرور که تا قبل از پهلوی دوم حدود ۴۰۰ خانوار جمعیت داشت، بزرگترین روستای دودانگه مازندران بود و به تنهایی نیمی از جمعیت منطقه پشتکوه را دارا بود و اکنون متروک و خالی از سکنه می‌باشد.

بر اساس سرشماری جمعیت سال ۱۳۷۰، در پرور ۵ خانوار (۱۳ نفر) زندگی می‌کرده‌اند.

جدول ۱ تغییرات جمعیت این قصبه را بین سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۸۰ نشان می‌دهد:

^۱ به لهجه پروری پروردگار نیز بلوردیگار (pelverdigār) تلفظ می‌شود.

^۲ در فرهنگ جغرافیایی ایران جلد ۲، درباره پرور در سال ۱۳۲۹ آمده است:

«پرور قصبه از دهستان پشتکوه، بخش دودانگه شهرستان ساری، ۲۰ کیلومتری جنوب خاوری سیدآباد، ۱۰ کیلومتری ملاده، کوهستانی، سردسیر، سکنه ۱۵۵۰ نفر، شیعه، زبان: فارسی و مازندرانی، آب از چشمه‌سار، راه مال‌رو و صعب‌العبور، محصولات عمده: گندم و لبنیات، شغل: زراعت و گله‌داری، صنایع دستی زنان: شال، گلیم، جاجیم و کرباس‌بافی.

توضیح: گله‌داری از مشاغل مهم سکنه محسوب می‌شود و عده‌ای گله‌های خود را حدود گرمه و جاجرم قوچان می‌برند. مراتع تابستانی پرور به کثرت و مرغوبیت معروف است.»

جدول ۱: جمعیت پرور از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۸۰

سال	خانوار	جمعیت (نفر)
۱۳۲۹	-	۱۵۵۰
۱۳۳۵	-	۱۰۵۴
۱۳۴۵	۱۹۵	۱۰۰۵
۱۳۵۵	۸۷	۳۵۹
۱۳۶۵	۶	۲۴
۱۳۷۰	۵	۱۳
۱۳۸۰	۰	۰

[مأخذ: مقاله ی پرور دیار فراموش شده]

اولین مدرسه به سبک امروزی در پرور در سال ۱۳۳۱ تأسیس شد. این مدرسه ابتدا در منزلی تشکیل شد و در سال ۱۳۳۳ توسط مردم و بادستور و حمایت سهراب محمودیان مدرسه اصلی ساخته شد. این مدرسه که در محل تکیه قرقچی ها ساخته شد، در سال ۱۳۵۷ تعطیل شد. اولین پاسگاه انتظامی نیز در سال ۱۳۰۲ تأسیس شد.

آقای حسین شهسوارانی در خاطره‌ای از سفر خود به پرور آورده‌اند:

«حدود چهل سال پیش من و سید افضا شادروان سید ابوطالب رئیس‌زاده رئیس دادگستری استان مازندران و من دادستان استان، به دعوت سهراب محمودی و برادرش یدالله‌خان محمودی که آن‌ها هم از حشم‌داران بزرگ دودانگه و مازندران بودند، سفری داشتیم به خرنند، باغ بزرگ ییلاقی آن‌ها در آخرین و بلندترین محل ییلاقی، بعد از فولادمحله و از راه ماشینی شهرمیرزا به آن باغ رفته بودیم. در آن سفر یکی از روزها سهراب محمودی و برادرش برای تفریح و گردش ما را به روستای ییلاقی پلور دودانگه بردند که محلی خرم و دلگشا و کوهستان‌های آن شکارگاه معروف گاوهای کوهی و آهو و شوکا و گوزن و غزال بود. چند ساعتی را در باغ بزرگ میوه‌های ییلاقی که آن باغ هم به همان میزبانان تسلیم داشت گذراندیم که دیوار بلند گلی معمول باغات ییلاقی داشت. روی دیوار آن باغ بزرگ در چهار ضلع متصل و به هم چسبیده جمجمه و سر استخوانی شکارهای کوهی با شاخ‌های بلند قرار داده بودند به جای خنجر و خس که در جاهای دیگر برای جلوگیری از خرابی دیوار باغ‌ها می‌گذازند. در اطاق بلند فرش‌شده‌ی آن باغ در دیدگاهی که به سوی کوهستان بلند داشت همان هنگام حرکت و جنب و جوش و جست و خیز گاوهای شکاری و کوهی در دوردست دیده می‌شد. اکنون و در این روزگار و سال و زمانه آن چراگاه‌ها و آن مراتع چنان ویران شده

که «تو گویی که رستم ز مادر نزاد» نه دیگر از رستم نشانی مانده، نه از همان سهراب محمودی و برادرش و نه آن باغ و نه آبادانی‌های دیگر و نه آن حیاط وحش آن‌چنانی مازندران»^۱

در سفرنامه‌های به جامانده از این دیار، به رونق دامداری و کشاورزی در منطقه، وجود مراتع بسیار مرغوب، چمن‌زارها و چشمه‌سارهای فراوان، کثرت گونه‌های حیات وحش (از جمله پرندگانی مانند کبک و بلدرچین، دسته‌های قوچ و بز کوهی و...) و در برخی از آن‌ها به ایل پروری اشاره شده است. اما پس از حمله‌ی امیر اعظم شاهزاده‌ی قاجاری حاکم ولایات استرآباد- دامغان و گرگان در سال ۱۲۸۶ و قتل و غارت وحشیانه و به وجود آمدن مشکلات اقتصادی اولین موج مهاجرت برای کار به مناطق دیگر آغاز شد. موج دوم مهاجرت از سال ۱۳۲۹ و موج سوم حوالی سال‌های ۱۳۴۵ آغاز گردید. و پرور در طول سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۶۰ تقریباً خالی از سکنه شد. از علل مهاجرت می‌توان به ضرورت تحصیل فرزندان، رشد شهرنشینی، ورود مدرنیسم، نزاع‌های قومی و قبیله‌ای، کمبود زمین و مرتع، مشکلات معیشتی و سیستم کوچ نیمه رمه گردانی و ... نام برد.

با وجود تخلیه‌ی پرور، اقامت تابستانی در ییلاقات بیست و چهارگانه‌ی آن ادامه دارد. هم‌اکنون ایل پروری متشکل از هفت طایفه در چهار استان کشور (سمنان، مازندران، گلستان و تهران) با جمعیتی بیش از ده هزار نفر پراکنده شده‌اند و سخت به فرهنگ و گویش خود پایبند هستند. این مردمان علاوه بر حفظ گویش اصیل خود با شرکت در مراسم شادی و سوگ، ساخت تکیه‌های عزاداری در پرور و گردهمایی سالانه، بازگویی مداوم حماسه‌های ایل پروری و اشاره به تاریخ و فرهنگ مشترک، هویت خود را پاس می‌دارند.

هم‌اکنون منطقه‌ی پرور شامل روستای متروکه پرور و مزارع اطراف آن، اقامتگاه‌ها و مراتع ییلاقی وسیع به مساحت بیش از چهل هزار هکتار و مراتع قشلاقی نظیر صیدوا می‌باشد.

البته کل منطقه پشتکوه در تداول عامه مردم استان سمنان پرور نامیده می‌شود و تقریباً مساحت منطقه‌ی حفاظت‌شده پرور را در بر می‌گیرد.

^۱ شهسواری، حسین، هفده روز در دودانگه (یادی از دوران جوانی، در پنجاه سال پیش، از ساری به رسکت)، در گستره مازندران (دفتر پنجم) به کوشش زین‌العابدین درگاهی، محسن علی نژاد قمی، تهران، رانش، ۱۳۸۵، ص ۱۵۰. [نام روستای ییلاقی در «در گستره مازندران» (دفتر پنجم)»، «پرکو» آمده که نادرست است. با اطلاع آقای حسین شهسواری، صورت درست «پلور» در این‌جا آمده است.]

فصل اول

تاریخ

www.ketab.ir